

سرداران سر

نویسنده:

سایمان مرادی

(منتصم: ادبی)

با کوشش:

علی جعفر غضنفری

سرداران سر

سرشناسه:	مرادی، سلیمان، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور:	سرداران سر / نویسنده سلیمان مرادی (متخلص: ادیب)؛ با کوشش علی جعفر غضنفری؛ ویراستار زهرا شیخ انصاری. تهران: مانانگار، ۱۴۰۳.
مشخصات نشر:	[۲۸۷] ص: مصور (بخشی رنگی)، عکس (بخشی رنگی)، نمونه (بخشی رنگی).
مشخصات ظاهری:	978-622-5549-76-0
شابک:	فیپا
وضعیت فهرست نویسی:	کتابنامه: ص. [۲۸۷].
یادداشت:	استانداران و فرمانداران -- ایران -- لرستان -- سرگذشتنامه Governors -- Iran -- Lorestan -- Biography
موضوع:	استانداران و فرمانداران -- ایران -- لرستان -- شعر Governors -- Iran -- Lorestan -- Poetry شعر لکی -- قرن ۱۵ Laki poetry -- 21st century غضنفری، علی جعفر، ۱۳۵۰ - DSR ۲۰۵۱ ۹۵۵/۵۲ ۹۶۷۶۸۴۶ فیپا
شناسه افزوده:	مولف:
رده بندی کنگره:	به کوشش:
رده بندی دیویی:	ویراستار:
شماره کتابشناسی ملی:	شابک:
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	تیراژ:
	نوبت چاپ:
	مشخصات نشر:
	تلفن:
	وبسایت:
	ایمیل:
	قیمت:

سلیمان مرادی
علی جعفر غضنفری
زهرا شیخ انصاری
۹۷۸-۶۲۲-۵۵۴۹-۷۶-۰
جلد ۱۰۰
اول / تابستان ۱۴۰۳
تهران، نشر مانانگار ۱۴۰۳
۰۹۱۰۲۴۲۵۵۲۱
mananegar.ir
mananegar20@gmail.com
۵۰۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر می باشد و هرگونه برداشت از مطالب کتاب، اعم از مقاله، جزوه، سی دی و... بدون مجوز کتبی از مولف ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.



نشر مانانگار

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل ۱: سه قرن و نیم حکومت والی
۱۶	میر خنجر بیگ
۱۶	میر نصر الله (نصیر)
۱۶	میر شاهوردی خان اتابک مقتدرترین مرد لرستان
۱۸	استقرار حسین قلی خان به مسند والی گری پشتکوه با کمک فتح الله خان امرایی
۲۱	میر قیصر
۲۳	فتح الله خان امرایی
۲۴	برخوردار خان امرایی
۲۴	توشمال خان
۲۵	میر غضنفر
۲۵	قیصر دوم توشمال (اول)
۲۵	میر کامران
۲۵	شاهوردی خان
۲۷	والیان لرستان در دوران افشاریه و زندیه
۲۷	۱- حسین خان
۲۸	۲- شاهوردی خان
۲۸	۳- علی قلی خان
۲۸	۴- منوچهر خان
۲۹	۵- حسین خان دوم
۲۹	۶- شاهوردی خان
۲۹	۷- علیمردان خان
۳۰	۸- اسماعیل خان
۳۲	والیان پشتکوه
۳۲	۱- حسن خان
۳۲	۲- عباسقلی خان

- ۳- حیدر قلی خان ۳۳
- ۴- علی خان ۳۳
- ۵- حیدر خان ۳۳
- ۶- حسین قلی خان ۳۳
- حسینقلی خان ابو قداره ۳۷
- حسینقلی خان و ناصرالدین شاه ۳۸
- حسینقلی خان و حکومت عثمانی ۴۰

- فصل ۲: کرم الله خان سرتیپ و باقر خان اعظم السلطنه ۴۳
- فصل ۳: میر لفظالی ۴۷
- فصل ۴: شهرماد خان رستمی ۵۱
- فصل ۵: سواران و همراهان ایل بکیر ۵۷
- عده‌ای از یاران شجاع و نترس ایل بکیر ۶۰
- فصل ۶: خونخواهی کرم الله خان دظاری و کشته شدن لشکر بختیاری ۶۱
- فصل ۷: سه پا و امیر جنگ ۶۵
- دلیل رفتن والی به کاکاوند چه بود؟ ۶۶
- فصل ۸: نبرد مله دار ۷۱
- فصل ۹: جنگ ساوه ۷۵
- فصل ۱۰: کشته شدن عزیز خان ۸۳
- فصل ۱۱: کشته شدن شهرماد خان ایل بکیر ۸۹
- فصل ۱۲: مرووری بر زندگی خان ابدال (عزیزی) ۹۳
- فصل ۱۳: کریم شهنسوار ۹۷
- فصل ۱۴: عباسعلی رستمی ۹۹
- (دست‌های مددکار و پنهان) محمد ولی ۱۰۰
- فصل ۱۵: ایلخانی ۱۱۳
- فصل ۱۶: کدخدا سبزه‌علی رستمی ۱۱۵
- فصل ۱۷: الله وردی‌های کاکاوند ۱۴۳
- فصل ۱۸: محمدباقر خان اعظم السلطنه به روایت استاد ۱۵۱
- فصل ۱۹: جنگ جاگه ۱۶۵
- فصل ۲۰: برگی از تاریخ فرزندان خدایی خان حسنونند ۱۷۱

۱۷۳	اشعار.....
۱۷۵	در وصف حضرت علی (ع) اسدالله امیرپور.....
۱۷۷	هام دِلان وختی.....
۱۸۱	کاکاوند.....
۱۸۵	دنیای فانی.....
۱۹۰	خامه بیدل از شاهوردی خان تا امیر اشرف.....
۱۹۹	منظومه هُره کوه.....
۲۰۵	سیاه.....
۲۰۹	نبرد مله دار.....
۲۲۷	مله شان خاوی.....
۲۳۵	پندها.....
۲۳۹	منظومه جنگ ناگ.....
۲۴۳	اشعار عباسعلی رستمی.....
۲۴۷	اشعار عباسعلی رستمی میر مراد حیدری.....
۲۴۷	عزیز مراد حیدری.....
۲۴۹	کاکای جان چشمه کبودی.....
۲۵۱	سیف الله خان غضنفری.....
۲۵۲	اسداله امیرپور فرزند امیر اشرف.....
۲۵۴	اسدالله امیرپور.....
۲۵۵	کاکاوند رو.....
۲۵۶	کلیمه‌های مور.....
۲۵۷	در وصف سردار ایل بگیر.....
۲۵۸	منظومه دیارگاه هُره کوی.....
۲۵۹	احمد مرادی میر بگ در وصف سردار.....
۲۶۰	رو رو.....
۲۶۱	ایل بگیره مای.....
۲۶۲	مهمان روزگاریم.....
۲۶۳	سبزعلی رستمی.....
۲۶۹	تصاویر.....
۲۸۷	منابع.....

مقدمه

به نام خداوند هستی آغاز می‌کنم.

من سلیمان مرادی متخلص به ادیب در پانزدهم سال ۱۳۶۰ در روستایی از توابع کاکاوند دیده به جهان گشودم. از بدو طفولیت، گوشم به نغمه دلنشین رشادت‌ها و دلاوری‌های سردار شهمراد خان ملقب به «ایل بگير» از زبان پدرم که دهقانی ساده و بالیمان بود، نوازش می‌شد.

با این همه همواره تلاش می‌کردم که از آن چیزهایی که از پدر شنیده بودم الهام بگیرم و به عنوان یک شاعر جوان، جوانمردی‌ها و رشادت‌های ایل بگير را در آثارم به نمایش بگذارم. گویی نمایی از چوپانان ایل در تار و پود وجودم تنیده شده بود و داستان‌های حماسی پهلوانان ایل در رگ‌هایم جاری بود. هر کلمه‌ای که می‌نوشتم، هر شعری که می‌سراییدم، انعکاس آن فرهنگ غنی و پربرابر بود.

از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های ایلای در اشعارم استفاده می‌کردم تا اصالت و هویت خود را به خواننده نشان دهم. همچنین سعی می‌کردم دورنمایه داستان‌ها و قهرمانی‌های ایل بگير را در قالب شعرهای نو به تصویر بکشم. به این ترتیب می‌خواستم نسل جدید را با گنجینه‌های ارزشمند ایل کاکاوند آشنا کنم و از فراموشی آن‌ها جلوگیری شود. علاوه بر این به تاریخ شهمراد خان نیز توجهی ویژه داشتم. سرودن شعر در وصف بزرگان ایل و گرامیداشت یاد و خاطره آن‌ها از جمله رسالت‌های خود به عنوان یک شاعر ایلای می‌دانستم. در واقع تمام تلاش من این بود که با استفاده از ابزار شعر، پلی بین گذشته و حال ایل بگير ایجاد کنم و هویت او را به نسل‌های آینده منتقل کنم. در این مسیر با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بودم.

برخی از منتقدان، شعرهای من را به دلیل استفاده از اصطلاحات ایلای و مضامین محلی فاقد ارزش ادبی می‌دانستند؛ اما من به اعتقادات خود ایمان داشتم و مصمم بودم که مسیر خود را ادامه دهم. روح من در دریای حماسه‌های سردارم غوطه‌ور می‌شد و شور و شوق وصف ناپذیری در من برمی‌انگیخت گویی روح بلند آن سردار نامدار در وجود من دمیده شده بود.

علاقه وافر من به شعر و شاعری به‌ویژه به زبان لکی دریچه‌ای نو به سوی دنیای پربار فرهنگ و تاریخ قوم لک گشود. گاه‌گاهی شعرهایی می‌سرودم و در آن‌ها رشادتها و فداکاری‌های بزرگان ایل کاکاوند را به تصویر می‌کشیدم. همواره در لحظاتی از تنهایی و خلوت با تلاش بی‌وقفه نغمه‌های شعر را به زبانم جاری کردم این تلاش‌ها نه فقط به من احساس رضایت و خوشبختی می‌دادند بلکه مانند رودخانه‌ای پاک و شفاف احساسات و افکارم را آبیاری و تازه می‌کردند.

شوق و اشتیاق من به شهمراد خان، آن چنان عمیق و ریشه‌دار بود که با وجود ندیدن او گویی سال‌ها در کنار او زیسته و از نزدیک شاهد دلاوری‌هایش بوده‌ام. در گذر زمان این شور و اشتیاق در من به یک رسالت تبدیل شد. رسالتی که مرا بر آن داشت تا با بهره‌گیری از ذوق و قریحه خدادادی خود، داستان و حماسه‌های سردار ایل بگیر را به نظم درآورم و به نسل‌های آینده منتقل کنم. تصمیم من برای ادامه سرودن اشعارم، مصمم‌تر از همیشه بود. با وجود مشقت‌ها و دردهای زندگی و تنگناهای مالی، شور و عشقی که به سردارم داشتم هر چون زبانه‌ای آتشین در وجودم شعله‌ور بود. در سال ۱۳۹۷ در مراسم ختم حجت‌الله خان غضنفری با استادی فرزانه به نام علی جعفر غضنفری، متخلص به خامه بیدل، آشنا شدم.

استاد غضنفری نوه جعفر قلی‌خان امیر توان حاکم پیشکوه لرستان بود. مراوده‌های قدیم الایام و روابط محکم شهمراد خان ایل بگیر، جعفر قلی‌خان و نظرعلی خان امیر اشرف فرصتی مغتنم را برای من فراهم کرد تا با جناب غضنفری در مورد اشعارم به گفت و گو و تبادل نظر بپردازم. وی با گشاده‌رویی و بزرگواری اشعارم را نقد و بررسی کرد و راهنمایی‌های ارزشمندی به من ارائه داد. تشویق‌ها و حمایت‌های ایشان انگیزه و روحیه مضاعفی به من بخشید تا با جدیت و پشتکار بیشتری به سرودن شعر ادامه دهم. در سایه تعلیم استاد غضنفری دریچه‌های نوینی از دنیای شعر و شاعری به روی من گشوده شد و توانستم به ارتقای سطح کیفی اشعارم نائل آیم.

حضور علی جعفر غضنفری در مسیر شاعری من نقطه عطفی بود که مسیر زندگی من را دگرگون کرد. اشعارم پر از نقص و کاستی بود که ایشان همچون فرشته‌ای نجات بخش در تابستان سال ۱۴۰۲ به یاری من آمد. به مدت یک ماه با همت و تلاش بی‌وقفه استاد اشعار را تنظیم و ویرایش نمودیم در سایه تعلیم و راهنمایی‌های ایشان اثر ناقص من جانی دوباره گرفت و به سرانجام رسید که در حقیقت مدیون ایشان در خلق این اثر هستم.

در گذر این مسیر دشوار که قرنی از کشته شدن سردار شهمراد خان ایل بگیر می‌گذشت سختی‌ها و مشقت‌های بسیاری را تحمل نمودم. در دوره‌ای که هر کس برای خویش داعیه‌دار چیزی شده بود بازگو کردن تاریخ با زبان شعر کاری بس دشوار و طاقت‌فرسا بود. سرودن شعر در وصف سرداران سر، سفری دشوار در گذر زمان بود؛ چرا که سکوت سنگینی بر تاریخ آنان سایه افکنده بود. با عزم و اراده‌ای راسخ این مسیر را طی نمودم.

مجموعه پیش رو سروده‌ای حماسی به زبان لکی است که در وصف رشادت‌ها و دلاوری‌های سرداران سر به نظم در آمده است. این اشعار برگرفته از تاریخ پر بار ایل بگیر و حماسه‌های جاودان سردارانی است که در راه حفظ و عزت ایل خود جانفشانی‌ها و فداکاری‌های بسیاری نموده‌اند. شاعر با ظرافتی مثال زدنی این حماسه‌ها را در قالب اشعاری نغز و دلنشین به زبان لکی سروده است. استفاده از زبان لکی در این سروده به اصالت و هویت اثر می‌افزاید. آن را به گنجینه‌ای ارزشمند در فرهنگ و ادبیات قوم لک تبدیل می‌کند. سپاس می‌گرم خواندندان را به پاس این فرصت که عطا نمود تا با خلق این اثر فاخر گامی در جهت حفظ و پیداشت این تاریخ پر بار بردارم.

بی‌گمان این مجموعه شعر با درخشش بی‌بدیل و کوهر ناب فرهنگ نابش در اعماق وجود خوانندگان ارجمند به ویژه هموطنان لک تبارم جایگاهی رفیع خواهد یافت. این شاهکارهای سترگ ادبی نه تنها به مثابه آثاری فاخر از منظر شعر و ادب، بلکه به عنوان نگاره‌ای گویا از تاریخ و فرهنگ غنی مردم لک مورد ستایش و تحسین قرار خواهند گرفت. امید است این سروده‌های ناب زیبایی و الهام بخشی را به تمام کسانی که بدان راه می‌یابند به ارمغان آورده و در پاسداشت فرهنگ و هویت اصیل لک با بگر باشند.